

حسنت به اتفاق ملاحظت جهان گرفت  
آری به اتفاق جهان میتوان می گرفت  
وقتی تو آمدی ، باغ جنان زعطر تو یکباره جان گرفت  
وقتی تو را رسول خدا در میان گرفت ، عطر جنان گرفت  
باید برای چشم تو اسپند دود کرد  
فکری به حال این همه چشم حسود کرد  
چشم حسود کور ...  
اعجاز دیده ات سحری که در طلسم عدو بود دود کرد  
حق! هرچه بود یکسره وقف وجود کرد ... عالم سجود کرد  
شد جلوه گر جمال خداوند در حسن ، نازید حق بار دگر به خلقت و اعجاز خویشتن  
آمد پدید سروی ز بوستان محمد در این چمن ، شد نام او حسن  
گل زهرا حسن گل زهرا ...

\*\*\*\*\*

آسمونا غرق نور و شادی ، عرش خدا پر شده از زیور  
اومده آقای بهشتی ها ، به همه عالم و آدم سرور  
گل خنده رو لبای حیدر ، اشک شوق تو چشای مادر  
اومده از ره کریم طه ، عزیز و میوه دل پیغمبر

.....

میبره سردی رو سحر امشب از دل شب یلدا  
میاره با نگاش خنده تو بیت حق تا میرسه فردا

\*\*\*\*\*

میریزه ستاره رو دستام از ، آسمون گرم شب خورشید  
میخونه تو گوش زمین مهتاب ، که نور خدا به دلت تابید

.....

ملتهبه سینه ی دریاها ، سر تا پای آسمونا سبزه  
بی نهایت اومده روی خاک ، راه همه کهکشونا بازه

.....

به یاد غربتت تو بقیع دلم میشکنه هر شب  
زمزم اشک من همنوا گشته با زمزمه ام بر لب

\*\*\*\*\*

حسن جانم ...

حرمت قبله ی حاجات ، ولی بی شمع و چراغه  
تا ابد یاد غربیت ، تو دل شیعه یه داغه

.....

تو و داغ غربیی ، من و این بی شکیی  
همه امیدم اینکه برم از تو نصیبی

.....

کریم کاری به جز جود و کرم نداره  
آقام تو مدینه است ولی حرم نداره

.....

غریب اونیه که همدم اشک و آهه  
دیده که مادرش تو کوچه بی پناهه

